

# باختر امروز

مؤسس : شادروان دکتر سیّد حسین فاطمی  
ارگان سازمانهای جبهه ملی ایران در خاور میانه

شماره ۲ - سال اول

دوره چهارم

مهرماه ۱۳۴۹

## در راه احیای جبهه ملی ایران بکوشیم

## پیروز باد انقلاب فلسطین

امپریالیسم جهانی بمنظور غارت و بهره برداری از منابع عظیم موجود در خاور میانه و استثمار نیروی انسانی آن ، با کمک صهیونیسم جهانی که بخش تفکیک ناپذیری از امپریالیسم و سرمایه داری جهانی محسوب میشود . حکومت فاشیستی اسرائیل را در سال ۱۹۴۸ بوجود آورد . . . . . با تشکیل حکومت اسرائیل نه تنها مردم فلسطین از سرزمین خود رانده شدند بلکه اسرائیل بصورت پایگاه اقتصادی ، نظامی ، سیاسی و ایدئولوژی امپریالیسم جهانی در منطقه خاور میانه و در بسیاری از کشورهای افریقائی وارد کارزار شد و عملیات تجاوزکارانه خود را توسعه بخشید .

خلقهائی زحمتکش خور میانه و از جمله مردم عرب که مورد تجاوز مکرر امپریالیسم و صهیونیسم و تحت ستم ارتجاع قرار داشتند همبستگی نموی خود را با مردم فلسطین ابراز داشتند . از طریق آوارگان فلسطین چهره و عملکرد امپریالیسم و صهیونیسم بخوبی برای توده ها هویدا شده ، قابل لمس گردید . لذا اگرچه پس از تشکیل حکومت فاشیستی اسرائیل ، در اکثر کشورهای عربی حکومتهای ارتجاعی بر سر قدرت بودند ، ولی این امر نتوانست از همبستگی انقلابی توده های استثمار زده و استثمار شده عرب جلوگیری بعمل آورد . حتی مسئله فلسطین کمک کرد که جنبشهای ضد امپریالیستی در این منطقه نیرو گرفته ، متشکل شوند و موجب سرنگون ساختن رژیمهای ارتجاعی متعددی را فراهم کنند .

جنبشهای ضد امپریالیستی در این کشورها گرچه بمقیاس ملی موفق گردیدند پیروزیهای کسب کنند ولی بعلت عدم پیوند عمیق توده های و عدم برخورداری از سازمان انقلابی مناسب ، قادر بمبارزه قطعی بانفوذ امپریالیسم بقیه در ص ۲

تهدیدست ، خورده بورژوازی ( پیشه وران ، کاسبکاران صاحبان صنایع کوچک ، کارمندان ادارات ، صاحبان مشاغل آزاد ، روشنفکران و روحانیون مترقی ) و سرمایه داران ملی ( بجز سرمایه داران بزرگ ) . در این جبهه که اکثریت قاطع خلق ایران را در بر میگیرد ، کارگران و دهقانان تهدیدست که بیش از سسایرین استثمار میشوند و از نظر جمعیت هم اکثریت دارند ، رهبری غالب نیروهای خلقی را بعهده خواهند داشت . در جهت مخالف جبهه نیروهای ضد خلقی قرار دارد که شامل سرمایه داران وابسته با امپریالیسم ، بزرگ مالکان ، سرمایه داران بزرگ ، بوروکراتها و نظامیان عالیرتبه میباشد که از دستگاه نظامی اداری بعنوان یکی از ابزار کار استفاده میکنند . دربار ، بعنوان ستاد ارتجاع ، فرماندهی کل نیروهای ضد خلقی را در ایران بعهده دارد .

وظیفه انقلاب با ترکیب نیروهائی که ذکر شد طبیعتاً از میان برداشتن سلطه امپریالیسم و سرمایه داران وابسته بان و بزرگ مالکان و نابود کردن دستگاه نظامی - اداری منطقی میباشد که در اختیار آنهاست . بعبارت دیگر تضادهای اساس جامعه ایران ، تضاد توده مردم با امپریالیسم و سرمایه داران وابسته و تضاد خلق با بزرگ مالکان است . در هر مرحله مشخص از مبارزه یکی از این دو تضاد اهمیت بیشتری را کسب میکنند ، بصورت غالب جلوه گر میشود و بصورت تضاد عمده در می آید . در شرایط حاضر جامعه ایران ، تضاد عمده ، تضاد توده مردم با امپریالیسم و سرمایه داران وابسته بان و در رأس آن دربار است . بنابراین کلیه نیروهای ضد امپریالیست باید گرد این محور متحد و متمسک گردند و مبارزات با امپریالیسم را سرلوحه برنامه کار بقیه در ص ۲

در شماره قبل پس از اعلام تشکیل جبهه ملی ایران در خاور میانه نکاتی را بعنوان برنامه کار خود تذکر دادیم . در این شماره سعی میکنیم در حد اختصار به تشریح یکی از نکات بردازیم . در شماره های آینده بقیه مواد را شرح خواهیم داد . ( در راه احیای جبهه ملی ایران بکمک هسته های مبارز در داخل کشور بطور عملی گام برداریم و ضمن بسیج خلق در شهر و در شرکت دادن همه عناصر و نیروهای پیشرو ، مبارزه ای معانه و پیگیر در سراسر ایران بعمل آوریم و خشونت ارتجاعی را بسا خشونت انقلابی پاسخ دهیم . )

برای تشریح این مطلب ابتدا نظریات خود را در آره انقلاب ایران بیان نموده و سپس منظور از احیای جبهه ملی ایران را شرح میدهیم . برای هر بررسی ملاکی لازم است که تحلیل بر بنای آن انجام میشود . ما در این تحلیل از معیاری استفاده میکنیم که تاریخ صحت آنرا اثبات کرده است و بر پایه واقعیات استوار است نه ذهنیات . این ملاک علمی ، یعنی محک طبقاتی است . این بررسی باحت متعددی را در بر میگیرد و بنا بر این بحسب حالت مفصل در باره هر يك از مطالب فوق نیست . در ادامه هر يك از این مباحث بصورت مفصل تر و دقیق تر تشریح خواهند شد و بنا بر این در اینجا مطالب در ابایت ایجاز ذکر خواهند گردید .

**انقلاب ایران - انقلاب دموکراتیک ملی**  
در ابتدا باید وضع جامعه فعلی ایران و ترکیب طبقات و موضع آنان را نسبت باینکه بانقلاب کمک میکنند یا در جهت مخالف آن قرار میگیرند بشناسیم سپس ماهیت و خصلت انقلاب و بالاخره وظایفی را که انقلاب بعهده میگیرد توضیح خواهیم داد .

**جامعه ایران**  
با توسعه نفوذ امپریالیسم جهانی ، طبقه وابسته بان در ایران با سرعت در حال رشد است و این رشد در سالهای اخیر تشدید یافته است . این طبقه سرمایه دارانی هستند که بعلت نفوذ امپریالیسم بوجود آمده اند خود بتقسویت این نفوذ کمک میکنند و بسا سرمایه دارانی که بتدریج وابستگی آنها با امپریالیسم بنا بیل یا علیرغم تمایلشان زیادتر میشود و منافع آنان نیز با امپریالیسم در يك جهت قرار میگیرد . این تغییرات در بطن جامعه ای در حال تکوین است . روابط قبلی آن بطور غالب و قاطع بر پایه بزرگ مالکی استوار بود . این پدیده در شرایط فعلی ، جامعه ایران را تحت تاثیر دو سیستم عمده قرار میدهد . روابطی که در اثر وجود امپریالیسم و سرمایه داران وابسته بان در حال توسعه است و روابطی که در اثر نفوذ تولید ( بزرگ مالکی ) از گذشته هنوز وجود دارد . در شرایط فعلی جامعه ایران و تحت تاثیر سیستم های فوق ، طبقات و اقشار مختلف موجود در پروسه يك انقلاب ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی بطور عمده در دو صف مشخص و متخاصم قرار میگیرند . البته باید در نظر داشت که در جریان انقلاب برخی از طبقات اقشار موضع خود را عوض میکنند و از صفی بصف دیگر می پیوندند . جبهه اول یا جبهه نیروهای خلق شامل طبقات اقشار زیر بطور عمده است : کارگران ، دهقانان

## دختر نخست وزیر اردن به انقلاب پیوست

پدر ! این چه دولت جنایتکاری است که تو رئیس آئی ، بشریت از این دولت و رئیسش ننگ دارد . پدر من فرزند توام ، از تو میپرسم : ذریه تو را می دیدم بخاطر فرزندان میهن خود که در زیر بمبهای صهیونیست ها سوخته بودند می گریستی ، امروز پدر مردها با فسفر و ناپالم میسوزند زنان میسوزند و همه با هر چیز نابودکننده میسوزند و تو عامل آئی ، پدرم پس آن اشکها امروز کجاست ، درست است اینکه بنام تو عمان و سلطه و زرقاست را در آتش میسوزانند ، حکومت مزدور شما جوانان ، زنان ، کودکان و سالخوردهگان را میسوزاند .

پدر ! کاش هرگز بدینا نیامده بودم . کاش هرگز روی زندگی را نمیدیدم تا بن گفتند نشود تو ( دختر محمد داودی ) . پدر ! بوجدان و انسانیت خودت که امروز همه آنرا حقیر میشمارند و بان مشکوکند قسمت میدهم بشرافت و حیثیت انسانی ، بذهیب ، به بزرگواری خلق عرب و بهر خصلت شریف سوگندت میدهم که بعلل خودت رجوع کنی ، بجنایت دولت خود بیندیشی بقیه در ص ۳

پس از اینکه محمه داود بریاست حکومت فاشیستی اردن منصوب شد و بقتل عام مردم و انقلابیون فلسطین پرداخت ، دختر او حاضر نشد چنین ننگی را تحمل کند و ضمن پیام رادیویی که بشرح زیر در غروب ۲۸ شهریور ۴۹ از طریق فرستنده های جنبش آزادبخش فرستاد ، به نیروی انقلابی فلسطین پیوست :  
پدر عزیزم محمد داود ، نمی دانم با چه زبانی با تو گفتگو کنم ، کلمات در دهانم چون شعله های آتشند . انبوه بیشمار کلمات ناتوان تر از آنند که حد شرمساری مرا از کاری که بدست تو انجام میشود برسانند . پدرم چگونه با تو سخن بگویم ، تو بظاهر زنده ای ولی در حقیقت جزو مردگانی . من با تو سخن میگویم پدرم ! از کدام دولت حمایت میکنی . این چه ننگی است که برای دختر و فامیل خود ، بلکه برای همه ملت عرب و میهن خود بیاری می آوری ؟ میگویند تو بعنوان يك رئیس دولت خون برادران و فرزندان بیگناه ملت خود ، قهرمانان و خون کسایی را که سینه خود را مردانه سپر ننگ شکست کرده اند میریزی ، اما قلب من نمیخواهد این حقیقت را باور کند .

بقیه - در احیای جبهه ملی ...

خود قرار دهند . معهدا نیاید فراموش کرد که اگرچه تضاد با بزرگ مالکان فعلا تضاد عمده نیست ولی یکی از تضادهای اساسی جامعه ماست و نباید حتی برای لحظه‌ای آنرا از نظر انور داشت ، نباید در حیل آن سهل انگاری نمود و تصور کرد که میتوان تضاد ضد امپریالیستی را از تضاد با بزرگ مالکان کاملا جدا کرد و یا در رفع آنها بطور ( مجزا ) و ( مرحله مرحله ) اقدام نمود . مبارزات ضد امپریالیستی اگر توأم با مبارزات ضد ارتجاعی نباشد پیروز نخواهد شد و با پیروزی آن دوامی نخواهند یافت .

انقلاب ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی باید پیروزی طبقات مستعبدیده و استثمار شده را تضمین کند . این خصالت انقلاب است . در این انقلاب پیروزی نهائی در جهت تأمین منافع نیروهای اصلی انقلاب یعنی کارگران و دهقانان تهیدست خواهد بود و منافع سایر طبقات و اقشار شرکت کننده در انقلاب نیز تأمین خواهد شد . این است آنچه ما انقلاب دموکراتیک ملی می نامیم .

انقلاب مسلحانه

این انقلاب که بنیاد جامعه را دگرگون خواهد کرد بلاشک مقاومت همه نیروهای ارتجاعی را در مقابل خواهد داشت . امپریالیسم و ارتجاع بهر وسیله ممکنه متوسل خواهند شد . از امکانات بین المللی تا وحشیانه ترین روش‌های غیر انسانی استفاده خواهند کرد . ارتش ضد انقلابی را تجهیز خواهند نمود و از هیچ اقدامی برای سرکوبی انقلاب فروگذار نخواهد کرد . با در نظر گرفتن چنین وضعی سباده بلوخی است اگر تصور شود در مقابل چنین دسائسی میتوان فقط مبارزات پارلمانی و خیابانی تکیه کرد و امپریالیسم و ارتجاع را بدین طریق سرنگون نمود . بن برعکس ، باید از همه وسائل و نیز از شدیدترین و قاطع‌ترین آنها استفاده کرد . خشونت را با خشونت و قهر را با قهر باید جواب گفت ، باید مبارزه مسلحانه برخاست و خشونت امپریالیسم را با قهر انقلابی پاسخ گفت . باید ایمان داشت که ( قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می آید ) . در عین حال بلاشک از سایر امکانات مبارزه نیز باید استفاده کرد . مبارزات پارلمانی و خیابانی و انواع تظاهرات و اعتصابات میتوانند در لحظات خاصی بسیار لازم و موثر باشند . باید از آنها در خدمت انقلاب مسلحانه استفاده نمود و بهر طریق ممکن از موفقیت دسائس امپریالیسم و ارتجاع جلوگیری کرد .

در جریان انقلاب دموکراتیک ملی آن قسمت از نیروهای خلقی که امکان مبارزه مسلحانه را ندارند نیز میتوانند و باید بطور موثر شرکت کنند . باید این نیروها را متشکل ساخته و بسیج نمود و در حد توانائی آنان در مراحل مختلف مبارزه شرکتشان داد .

احیای جبهه ملی ایران

بر مبنای چنین تحلیلی ( احیای جبهه ملی ایران ) را بر رسی میکنیم .

جبهه ملی ایران که در جریان مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ایران بعد از جنگ بین‌المللی دوم بوجود آمد بعلت درک صحیح تضاد جامعه ایران در آن دوره توانست پشتیبانی تمام نیروهای خلقی ایران را جلب کند و در مبارزات خود پیروزی های بزرگی بدست آورد ولی نتوانست این پشتیبانی مردم را بشکرت فعال همه این طبقات در مبارزه تبدیل کند . هیچیک از طبقات و اقشار که در جریان نهضت ملی فعالیت داشتند و بر حسب موضع طبقاتی خود به انقلاب مینگریستند نتوانسته بودند سازمان رهبری کمتلنده انقلاب را بوجود آورند . احزاب موجود در آن زمان بعلى مختلف از جمله وجود شرایط خفقان آور دیکتاتوری سیاه رضاخانی ، رشد و تکامل کافی نکرده و هیچیک ثوری جامعی برای انقلاب ایران حتی بر مبنای جهانیستی خود نداشتند . بنابر این همینکه مرحله مبارزات پارلمانی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی که در حد خود بسیار صحیح بود توانست بموفقیت‌هایی نائل شود ، انقلاب بعلى فقدان سازمان انقلابی نتوانست ، برای حفظ این پیروزیها و کسب پیروزیهای بیشتر تدارک لازم را ببیند . بدین معنی که در انتخاب راه قاطع تر که مسلح کردن بوده‌ها بود دچار تردید شد و نتیجه آن شد که همه میدانیم .

ما با الهام از خواست ملت ایران که احیای و ادامه و تثبید و تکامل مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی است و با درس‌های بزرگی که از پیروزی‌ها شکست‌های نهضت ملی ایران و سایر انقلابات جهان گرفته‌ایم هدف فعلی خود را که انجام انقلاب دموکراتیک ملی است و از طریق در گیری مسلحانه توده‌ها با امپریالیسم و ارتجاع اعمال خواهد شد اعلام داشته‌ایم . ما معتقدیم که این تنها راه نجات خلق ایران از استبداد و استثمار خواهد بود .

در شرایط کنونی ایران سلطه استعمار و استبداد و ( قدرت ) کاذب ارتش و سازمان امنیت بعلى ضعیف سازمانی نیروهای ملی ، وضعی ایجاد کرده است که ایجاد يك سازمان انقلابی وسیع که بتواند قیام یکپارچه مسلحانه را یکپارچه عملی کند غیرمقدور میسازد . همکاری نیروهای استعماری و ارتجاع ، فشار و خفقانی که در تاریخ ایران بینظیر بوده است ، ظاهرآ ( ثباتی ) به رژیم فعلی ایران داده است که خود مانع توسعه فعالیت‌ها میشود و شرایط مخفی مبارزه را بنیروهای ملی تحمیل نموده دسترس میلیون توده‌های وسیع مردم مشکل شده و رشد سازمان انقلابی بطی گشته است . از طرف دیگر رژیم شاه از طریق کنترل دستگاه‌های تبلیغاتی و جلوگیری از اشاعه اخبار مبارزات موجود در درون و خارج از کشور ، باعث میشود که توده مردم از آنان بیخبر مانده مبارزین را ضعیف تر و قدرت رژیم را بیشتر از آنچه هست تصور کنند و نومیدانه از مبارزه خودداری نمایند . این ( ثبات ) همچنین باعث خریص تر شدن امپریالیسم در چپاول و غارت ثروت‌های ملی ایران و نیز استیفاء جوئی بیشتر از نیروی کار زحمتکش ملت ایران میشود . هجوم سرمایه‌های خارجی مملکت را بسرعت و بیش از پیش بحالت بردگی استعمار در می آورد و هرچه زمان بگذرد این وابستگی بیشتر میشود ، سرمایه داری وابسته و سیمتر و ضد انقلاب قدرتمندتر میگردد . بنابر این وظیفه اصلی سازمانهای سیاسی خلقی در مرحله اول انقلاب ، شکستن این طلسم و بسیج ریختن وا از بین بردن این ( ثبات ) کاذب است . با استفاده از هر طریق ممکن باید تسلط سیستم ارتجاعی فعلی را متزلزل کرد و بی ثباتی واقعی آنرا عیان نمود . باید شرایطی ایجاد کرد که با سست شدن کنترل رژیم ، هسته های انقلابی بتوانند بسرعت رشد کنند و سازمانی را بوجود آورند که بتواند انقلاب ایران را رهبری کند و پیروزی برساند . ایجاد يك ( جریان سیاسی ) برای این منظور بعنوان قدم اول و بعنوان يك تاکتیک - نه استراتژی - مبارزه باید در صدر برنامه قرار گیرد . تا این جریان سیاسی ، با توسل بهر طریق ممکن و با تکیه بر مبارزات چریکی شهری ، ایجاد نشود امکان رشد هسته‌های مبارز انقلابی ضعیف میماند . ولی اشتباه خواهد بود اگر تصور شود جنگ چریکی شهری ، کل انقلاب مسلحانه است . جنگ چریکی شهری فقط شروع کار ، فقط يك تاکتیک ، برای جنگ خلقی است . استراتژی ما قیام مسلحانه نیروهای خلقی در سراسر ایران ، در دهات و در شهرهاست . بدون چنین قیام عمومی که همه زحمتکشان را در بر گیرد انقلاب پیروز نخواهد شد و بفرض پیروزی چیزی بجز ماجراجویی یا کودتا نخواهد بود و پیروزی ظاهری و زود گذر خواهد بود چه تنها بسیج توده‌هاست که ضامن بقاء پیروزی است .

هسته‌ها و نیروهای ملی و مترقی داخل ایران اعم از آنها که سابقا در جبهه ملی شرکت داشته یا نداشته‌اند ، لازم است بر مبنای استراتژی فوق و تحت يك ( برنامه واحد ) که خواست های انقلاب ، دموکراتیک ملی ایران را در بر گیرد ، با حفظ استقلال سازمانی خود ، در جبهه ملی مجتمع شوند و مبارزه را با ایجاد يك جریان سیاسی در داخل کشور بچلو ببرند . هسته‌های مبارز انقلابی ایران در خارج از کشور نیز در این جریان ، تحت همان برنامه واحد ، فعالیت‌های خود را با نیروهای داخل کشور تطبیق خواهند داد . تجمع نیروهای مبارز انقلابی از طبقات و قشرهای خلق نباید الزاماً معوق به پیدا شدن احزاب طبقاتی بعنوان مرحله اول کار شود . حزبی اصالت انقلابی دارد که برای مبارزه بوجود آید و در جریان مبارزه رشد یابد و رهبری خود را در عمل ، نه در حرف

بقیه - پیروزی انقلاب

و صهیونیسم نشدنند . سازمان‌های با انتخاب راه‌های مسالمت آمیز و حکومت مصر ، نه شیوه درستی بر خلق و سرزمین خود داشتند و نه قادر برای ساختن آینده جامعه خود ارا پس از شکستهای متعدد احزاب کلاسیک عربی ، از درون سرزمینهای شکنجه‌ها و ترور حکومت فاشیستی توطئه نیروهای ارتجاعی عرب ، س چون ( فتح ) که راه صحیح قیام کرده بود ، بوجود آمدند و قهرمانان اکثره مبارزه کردند و ریاس و مزارک را که ناشی از شکستهای گذشته وار جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ بود مندل بر کردند ، و توده‌های مستعبد عرب چریکهای فلسطینی ، شخصیت جدید انتخاب راه درست نبرد مسلحانه چر خلقی و تدارک برای نردی طولانی تمام اردوگاههای اوارگان فلسطین مختلف عربی وجود دارند . و در مناد صهیونیستها هسته‌های مقاومت بسر مردم را متشکل و مسلح سازند .

مردم فلسطین بعنوان پیشاهنگ شدند در ملت بسیز کوتاهی ، خط امپریالیسم و صهیونیسم جهانی و تمام آیند . بدینجهت امپریالیستها و نیرو جهانی ، بموازات سایر توطئه و اقداما درصدد اجرای ( طرح روجرز ) برآمده

جمال عبدالناصر فرد مناسبی توطئه بود ، زیرا او بخاطر مبارزات خود در گذشته ، دارای نفوذ د توده‌های عرب بود . باید توجه داد رشد جنبش انقلابی فلسطین و در این مسلحانه آزادبخش ، نه تنها ناصر در برنمیداشت بلکه او باقبولی ( طرح رو خود را از دست داد .

عبدالناصر که از ادامه جنگ خلقی انقلاب فلسطین نمیتوانست کام بر دارد بکنترل چریکها نبود ، میخواست باقبولی موجودیت اسرائیل را برسمیت بشناسد زمینهایی را که در آن بی کفایتی درجه از دست داده پس بگیرد و بخاطر اجراء باامریکا و اسرائیل و ملک حسین ، این امپریالیسم ، تحت لوای صلح پیمان می چریکهای فلسطینی که خواستار آزاد سا خود و مبارزه قطعی علیه امپریالیسم و صهیونیسمند ، توطئه میکند .

سازمانهای جنبش آزادبخش فلس روجرز ) و صلح با اسرائیل را خیانت و توده‌های عرب تلقی میکنند بشدت با- مبارزه کردند و علیرغم تمایل ناصر و ملک خود در سرزمینهای اشغالی علیه اسرائیل در زد ( طرح روجرز ) کشورهای اذ

اعمال نماید . مهمل نشستن بیهانه آنکه ایران حتما باید اول حزب طبقاتی بوجود آ نمیتوان کرد . با در نظر گرفتن اشکالا تشکیل چنین سازمانی در شرایط حاضر سرپوش تسامح است . هسته‌های مبارز در جریان مبارزه رشد و توسعه یابند و انقلابی ایران را بوجود آورند . فقط اصالت خواهند داشت و خواهند توانست خود را در جریان انقلاب دموکراتیک ملی ت

بر انداختن حکومت ملک حسین و شاه خواست خلقهای خاورمیانه

بقیه - پیروزی باد انقلاب ...

عراق و یمن جنوبی موضع مترقی اتخاذ کرده از چریکهای فلسطینی پشتیبانی بعمل آوردند

رژیم ملک حسین و انقلاب فلسطین

ملک حسین که نوکر مازکدار امپریالیسم و ارتجاع میباشد هیچگاه از فعالیتهای انقلابی چریکها خرسند نبود و بوسیله ارتش مزدور و ( نیروی مخصوص ) خود علیه سازمانهای چریکی توطئه میکرد و بیبانههای مختلف اردوگاه و پایگاههای فلسطینیها را مورد حمله شدید و بمباران قرار میداد . نمونه برجسته این جنایات در حدود سه ماه قبل اتفاق افتاد که ارتش ملک حسین بوسیله عوامل سرسپرده امریکا ، یکی از اردوگاههای فلسطین در عمان را به رگبار مسلسل و توپ بست و بیش از هزار نفر از آنها را بقتل رساند . ملک حسین و سایر خائنین رژیم او که از سرسپردگان امپریالیسم و صهیونیسم میباشند ، در ابتدا بدلیل زیر جرات نمیکردند جنگ و کشتاری را که امروز علیه مردم فلسطین براف انداخته اند شروع کنند

۱ - نمیتوانستند پیش بینی کنند که تکامل انقلاب فلسطین و مسلح کردن خلق اردن رژیم پושالی ملک حسین را متوجه خطر جدی خواهد کرد .

۲ - با محبوبیتی که چریکها در میان توده مردم عرب دارند ، رژیم ملک حسین باستانی نمیتوانست دشمنی علنی خود را با جنبش آزادیبخش فلسطین آشکار سازد .

۳ - سازمانهای آزادیبخش فلسطین بامید ان عمل وسیعی که در بعضی از کشورهای عربی داشتند ، رژیم ارتجاعی ملک حسین نمیتوانست باین توطئه آنها ازین بپرد .

۴ - سازمانهای آزادیبخش فلسطین آگاهانه برای اینکه فرصت بسیج و مسلح کردن تمام مردم و گسترش سازمانهای خود را داشته باشند ، با استفاده از تضاد درون رژیم ملک حسین ، از تمرکز قوا برای مقابله نهائی و جنگ داخلی پرهیز میکردند .

در این مدت سازمانهای آزادیبخش فلسطین و در رأس آنها فتح ، موفق گردیدند نه تنها ارتش آزادیبخش فلسطین را وسعت و نیرو بخشند ، بلکه سازمان سیاسی - نظامی خلقی ( ملیشیا ) را بوجود آورند که از زن و مرد و پیر و جوان همگی با کسب آگاهی سیاسی مسلح شده اند و دفاع از مردم منطقه خود و بر آوردن نیازمندیهای آنها را بعهده دارند .

امپریالیستها و صهیونیستها که میخواهند ( طرح ریزی ) را بر مرحله اجرا در آورند ، وقتی متوجه شدند که سازمانهای آزادیبخش فلسطین قادر هستند مسئله آتش بس و ( طرح ریزی ) را بی اعتبار سازند و سیاست بازیهای ناصر نیز وقتی نیکندارند ، و حاضر نیستند تارهایی کامل خاک فلسطین دست از مبارزه بردارند ، از طریق ملک حسین نوگردیرینه خود در صدد برآمدنند که جنگ داخلی را دامن بزنند و هر روز بیبانه ای شروع به حمله و کشتار فداثیان مردم اردن کردند . ملک حسین از جمله از ترلز و سیاست بازی ناصر استفاده کرده بنام طرفداری از ( طرح صلح ناصر ) و قبحانه بکشتار مردم فلسطین پرداخت .

عبدالنصر که حاضر نبود از جنبش انقلابی فلسطین و رهبری آن دنباله روی کند و معاملات سیاسی و ( شخصیت ) خود را درمخاطره می دید ، در برابر این صحنه های خونین سکوت کرد تا فداثیان را وادار باطاعت از تنبلیت خود سازد .

امپریالیسم و صهیونیسم جهانی که توطئه های آنها یکی پس از دیگری توسط چریکها خنثی میگردد ، تصمیم قطعی گرفتند که از طریق ملک حسین باصلطاح کار چریکها را یکسره کنند و بانابود ساختن جنبش آزادیبخش فلسطین از پیروزی انقلاب جلوگیری بعمل آورند ، لذا دولت امریکا سفیر خود را در شهر یور ماه از اردن فرخواند و شخص جدیدی با مأموریت مشخص غلام عمان شد . با تعویض سفیر امریکا در اردن ، کابینه اردن نیز تغییر کرد و حکومت دیکتاتوری نظامی رهبربری محمد داود از طرف ملک حسین در اردن بقتل غلام مردم و چریکهای فلسطین پرداخت . از آن تاریخ تا کنون که

نشریه بزیر چاپ میروید بیش از بیست هزار نفر کشته شده اند .

امریکائیها و صهیونیستها بدست ملک حسین و ارتش مزدور اردن قتل عام بی سابقه ای از مردم دلاور فلسطین بعمل آورده اند و با بمبهای نابالم و فاسفر مناطق زیادی را زیر آتش گرفته اند ، از جزایر آب و برق و ورود خواربار و دارو جلوگیری بعمل میاورند ولی قسمت مهمی از پایتخت و شهرهای مهم اردن در تصرف نیروهای چریکی هستند و وعده زیادی از سربازان و افسران ارتش اردن به نیروی انقلاب پیوسته اند .

امپریالیستها و صهیونیستها که نابودی رژیم ملک حسین را با نگرانی بررسی میکنند تهدید کرده اند که ( در صورت لزوم ) دخالت نظامی خواهند کرد . هوآیماهای اسرائیل به پشتیبانی ملک حسین مواضع چریکها را بمباران کرده و ناوگان ششم امریکا در دریای مدیترانه خود را بسواحل فلسطین و لبنان نزدیک کرده است و وعده های سرباز و جت باز امریکائی نیز در پایگاههای خود در ترکیه در حال آماده باش در آمدند و به نیروی نظامی انگلیس در قبرس نیز دستور آماده باش داده شده بود .

ملک حسین از امریکا تقاضای کمک کرده و سران بعضی دول محافظه کار عربی میخواستند کوشش بعمل آورند تا طرفین را متقاعد کنند که دست از جنگ بردارند . هیتی که بریاست رئیس جمهور سودان بهمین منظور باردن رفت ابتدا پس از مدح و ثنای ملک حسین اعلام کرد ند مذاکره ای که با چهار نفر از اعضای کمیته مرکزی که دستگیر شده اند بعمل آورده اند ، موافقت خود را با پیشنهاد صلح ملک حسین اعلام کرده اند . ولی کمیته مرکزی و رهبری ارتش آزادیبخش فلسطین اعلام کرد که چریکها جنگ را شروع نکردند و با جاری شدن سیل خون در اردن و قتل عامی که ارتجاع و بتحریر امپریالیستها بعمل آورده است ، تا سربگونی رژیم ملک حسین و تاپیروزی کامل حاضر نیستند دست از مبارزه بردارند و نمایندگی و سخنگویی جنبش آزادیبخش فلسطین را کسانتی بعهده دارند که اسلحه بدست بکنجک ادامه میدهند و حرف اسیران جنگ اعتباری ندارند . پس از مقاومت و مبارزه دلیرانه سازمانهای آزادیبخش فلسطین در اول عربی که در قاهره مجتمع بودند مجبور گردیدند علیه ملک حسین موضع گیری کنند

نقش رژیم شاه و دخالت نظامی امریکا

رژیم شاه بعد از اسرائیل درین پایگاه امپریالستی در خاورمیانه محسوب میشود . دخالت امپریالیستها در کلیه شئون اقتصادی ، سیاسی ، و نظامی ایران مسئله ایست که صدک بان واقفند . شاه همکاری ضمیمانه ای با اسرائیل دارد . نفت اسرائیل از طریق رژیم شاه تأمین میشود . اسرائیلیها در بخشهای مختلف صنعتی و کشاورزی ایران سرمایه گذاری کرده ، بازار ایران را تحت کنترل خود دارند و حتی در ایران دارای سیستم فرهنگی صهیونیستی مستقل هستند . نه تنها پایگاه هوائی و حدتیه و فضای ایران مورد استفاده نیروی فاشیستی اسرائیل علیه خلق فلسطین قرار میگیرد بلکه مستشاران اسرائیلی در ارتش و سازمان امنیت مستقرند و شبکه جاسوسی بزرگی را با همکاری امپریالیستها برای انجام توطئه در خاورمیانه ایجاد کرده اند .

بی جهت نیست که در اردیبهشت ۱۳۴۹ کنفرانس مهمی از دیپلماتهای امریکائی مسئول در خاورمیانه در تهران برگزار شد و این توطئه گران امپریالیستی که همانند آنها شاه خائن بود در تهران جلسه داشتند تا علیه مردم عرب و انقلاب فلسطین توطئه کنند .

هنگامی که ارتش اردن مشغول حمله بی پایگاههای چریکی بود ، روزنامه ( فتح ) در تاریخ چهارم سپتامبر ۱۹۷۰ اطلاع داد که یکی از مقامات عالیتره سیاسی اردن با هوآیما مخصوص خود را بتهران رسانده تا مذاکره مهمی بعمل آورد !

بطوریکه سازمان ما بر اساس شواهد و اسناد و مدارک مطلق شده ، شبکه جاسوسی امپریالیستها صهیونیستها در اردن از همکاری فعال جاسوسان شاه بنام سرتیب قاهر و حسین حجازی در آنکشور برخوردار است و حسین حجازی رئیس شبکه جاسوسی رژیم شاه در اردن میباشد .

در جریان نبرد اخیر فداثیان با ارتش ارتجاعی ملک حسین ، دستگهای تبلیغاتی شاه مرتب بعمل اخبار و بخش ذروغ مشغول هستند و علیه فداثیان به تبلیغات

زهر آگینی مشغولند . چریکها را عسدهای ماجراجو و تروریست و راهزن ، و رهبران سازمانهای انقلابی فلسطین را انسانهایی ساده لوح و فریب خوده و عامل خارجی ب مردم معرفی میکنند . و ملک حسین این خائن سرسپرده امپریالیستها را که مسئول کشتار قهرمانان انقلابی خلق فلسطین و قتل عام هزاران نفر از مردم اردن و فلسطین میباشد ، یک ( قهرمان انسان دوست ) لقب میدهند .

مردم ایران و جهان بماهیت ضد خلقی شاه خائن و ملک حسین بخوبی آگاهی دارند . شاه و ملک حسین در نگرانی عمیقی بسر میبرند زیرا وقایع امروز اردن ، نقش ریاکارانه و جنایتکار ملک حسین را برای هر فرد ساده و بی خبری نیز روشن ساخته است . اگر ملک حسین تا با مرور بدستور اربابان خود موفق گردیده بیش از بیست هزار نفر را بقتل برساند - تعدادی که در سراسر تاریخ فلسطین صهیونیستها موفق بچین کشتاری نشده بودند - دیگر جایی برای رژیم او باقی نمانده و مردم انقلابی فلسطین رژیم او را بکورستان تاریخ خواهند فرستاد . شاه نیز از این لحاظ نگران است که همکار خیانت پیشه اش بسزای خیانت خود میسرند

و فردا نوبت او خواهد بود . رژیم شاه با تمام ( نباتی ) که بران تظاهر میکند ، آگاه است که با گسترش شعله های انقلاب و تشکل انقلابی مردم ایران و پیوند عمیق مردم ایران و فلسطین رژیم او نابود خواهد گردید . بهمین جهت شاه و ملک حسین تلاش میکنند که از باب آنها یعنی امپریالیسم یانکی ، در جریان اردن دخالت نظامی کند ، ولی غافل از آنند که اگر امریکا و سایر امپریالیستها در اردن دخالت نظامی بنمایند ، شاید بتوانند برای مدتی ضرباتی به نیروی انقلابی فلسطین وارد سازند ولی با دخالت مستقیم جنایتکاران امپریالیست ، آتش انقلاب بر سر خاورمیانه را کسر خواهد گرفت و تمام توده های مستعبد خاورمیانه که بطور مداوم تحت ستم امپریالیستها - صهیونیستها و ارتجاع داخلی قراز دارند ، بدشمنان اصلی و پایگاههای ارتجاعی آنها رحم نخواهند کرد . دخالت نظامی امپریالیستها موجب جهش و گسترش شعله انقلاب در خاورمیانه خواهد گردید و خاورمیانه بعنوان مخزن باروت جهان چنان منفجر خواهد شد که سلطه امپریالیسم را بنا بودی برساند . وظیفه تمام نیروهای انقلابی این منطقه است که باتمام نیرو بیاری قهرمانان انقلابی فلسطین برخیزند و در مناطق جدیدی علیه امپریالیسم و ارتجاع ب جنگ آزادیبخش بپردازند .

بقیه - دختر نخست وزیر ...

و بخود آئی تا از واقعیت این جنایتی که بخاطر منافع مزدوران و سوداگران زنان و مواد مخدره میکنی آگاه شوی .

پدر ! برای آخرین بار میگویم از این جنایتکاری و دست نشانده گی کناره بگیر . این چیزی است که اربابان تسو و مزدوران خواسته اند انجام شود . احساسات پدر فرزندی میلرزاندم .

پدر من آن بندهائی را که گرد تو و جیلادان آدمکش اطرافت را در خود خواهند فشرد می بینم . پدرم ، دخترت با تو سخن میگوید و از تو میخواهد بوخداقت رجوع کنی ، خودت را نجات دهی . من میخواهم ترا از سرنوشت مخومی که در انتظار تسو و اربابان جنایتکار میباشد بر حذرت دارم . پدرم تاریخ و انقلاب رحم نخواهند کرد . از نام و شرف و حیثیت خودت و دخترت پاسداری کن پدر ، پدر من نخواهی بود اگر بخود نیائی و حتی برای یک لحظه هم شده در تمام زندگیت نیندیشی .

پدر تو جنایتکار نبودی . من میشناسمت ، سعی کن انسان که ترا شناختم باشی ، کناره بگیر . اگر از این راهی که میروی باز گردی باز خائن نخواهی بود ، فکر کن . رحم کن تا بتو رحم شود . پدر من بخاطر آزاد ساختن فلسطین و عمان بصف انقلابیون پیوستم . خدا حافظ پدر ، شاید تن سوخته مرا در زیر آوارهای کسه بمب های نابالم ایجاد میکند بیایی .

دختر تو

دخان زندانیان ... از زندانهای شاه متحارماً ...

# باختر امروز

## کنفرانس جهانی فلسطین

## اخبار

همبستگی مردم ایران و فلسطین

بامسلس شدن خلق در اردن و اوج مبارزات مردم فلسطین ، رژیم ارتجاعی و وابسته به ملک حسین که منافع اربابان خود را در خطر با طرح توطئه ای در صدد برمیآید تا با - امپریالیستها و صهیونیستها مردم مبارز فلسطین را قتل عام و انقلاب را سرکوب کند . در تمام نیروهای ارتجاعی متحد شده بودند تا از جنبشهای آزادیبخش در این منطقه جلوگیری بمنظور همبستگی با مردم دلاور فلسطین و افسانه رژیمهای ارتجاعی ملک حسین و شاه ایران از سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه بیش از هزار اعلامیه در شهرهای بغداد و کاظمین و نجف گردید و در تاریخ هفتم مهر ماه ۴۹ در مرکز کاظمین میتینگی برگزار شد که عده کثیری از مقیم این شهر و عراقیان شرکت کردند . اجتماع ز طرف سازمانهای جبهه ملی ایران و یکدگر از طرف جنبش آزادیبخش فلسطین ( فت سخرانی کردند .

از طرف هیئتهای نمایندگی مختلف پیامهایی مبنی بر پشتیبانی از انقلاب فلسطین قرائت گردید . ابتدا از هیئت نمایندگی جبهه ملی ایران تقاضا گردید که پیام خود را بکنفرانس قرائت کنند . در جریان کنفرانس ، تجزیه و تحلیلی که از اوضاع و احوال ایران بعمل آمده بود و همچنین اطلاعیه مطبوعاتی جبهه ملی ایران در خاورمیانه که بزبان انگلیسی تکثیر شده بود ، بسین هیئتهای نمایندگی و مطبوعات توزیع گردید .

در جریان کنفرانس روشن گردید که دولت شوروی کوچکترین کمکی بسازمانهای انقلابی فلسطین نکرده اند و تمام اسلحه چریکهای از چین و از طریق دولتهای عربی تهیه شده است . باین علت هیئت نمایندگی جبهه ملی ایران انتقاد شدیدی از سیاست رهبران اتحاد خیاخوری شوروی بعمل آوردند که مورد تایید شرکت کنندگان در کنفرانس قرار گرفت .

سخنرانان جنبش آزادیبخش فلسطین با قاطعیت اعلام کردند که تا آزاد ساختن کامل خاک و خلق فلسطین بمبارزه مسلحانه خود ادامه خواهند داد .

یکی از مأموران رژیم شاه تحت عنوان ( ناصر حکیم زاده ) از طریق قاهره عازم محل کنفرانس شده بود و با معرفی دولت اردن بنام خبرنگار قصد شرکت در کنفرانس داشت . چون کمیته تدارک کنفرانس با مشکوک بودند جریان ورود او را مورد بررسی قرار دادند . فرد مزبور پس از اینکه متوجه شد اعمال او تحت کنترل خواهد بود از مراجعه و شرکت در کنفرانس خود داری کرد .

دومین کنفرانس جهانی درباره فلسطین از تاریخ دوم تا ششم سپتامبر ۷۰ ( ۱۱ تا ۱۵ شهریور ۴۹ ) در شهر عمان برگزار شد . قریب دویست نماینده از سازمانهای سیاسی و جنبشهای آزادیبخش ، سازمانهای دانشجویی و کمیتههای همبستگی با انقلاب فلسطین در جهان در این کنفرانس شرکت داشتند . یک هیئت نمایندگی از طرف جبهه ملی ایران و همچنین از طرف کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در کنفرانس شرکت کردند . رژیم ملک حسین بسازمانهای آزادیبخش فلسطین اظهار کرده بود که اجازه ندارند کنفرانس مزبور را در پایتخت اردن برگزار کنند ، ولی سازمانهای چریکی بدون اعتنا بتهدیدهای خائنینی چون ملک حسین تصمیم به برگزاری کنفرانس گرفتند . ارتش مزدور اردن باتانک و زره پوش شهر عمان را محاصره کرده مواضع چریکها را مورد حمله قرار داد ، ولی چریکها که قسمت عمده شهر عمان را متصرف بودند به حملات ارتش پاسخ دادند و باقدرت تمام کنفرانس جهانی را برگزار کردند ، در جریان کنفرانس چندین مرتبه تیراندازی شدیدی بین فدائیان و ارتش مزدور ملک حسین در شهر روی داد و عدهای کشته شدند ولی فدائیان بر اوضاع مسلط بودند .

کنفرانس توسط یاسر عرفات رئیس کمیته مرکزی سازمانهای چریکی و فرمانده ارتش آزادیبخش فلسطین افتتاح شد و سخنرانان متعددی درباره صهیونیسم در تئوری و عمل ، حکومت دموکراتیک فلسطین ، طرح و اجرای و پیشنهاد صلح امپریالیستها و همبستگی جهانی با انقلاب فلسطین سخنرانی کردند .

در ضمن بمنظور همبستگی مردم ایران با فلسطین در روز نهم مهر ۴۹ میتینک دیگری در نجف اشرف از طرف جبهه ملی ایران برگزار شد جریان مشروح آن در جراید و رادیو در عراق گردید .



صحنه‌ای از تظاهرات بغداد

تظاهرات وسیعی که اواخر شهریور در بغداد به پشتیبانی از انقلاب فلسطین بعمل آمد ، سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه نیز عدهای شعارهایی مبنی بر پشتیبانی از انقلاب فلسطین و ملک حسین خائن شرکت داشتند .

سرتیب محمد داود رئیس حکومت ارتش نظامی ملک حسین پس از بکفته زمامداری ، است به لیبی گریخت و در آنکشور تقاضای پناهندگی کرده است و طی تلگرامی پشتیبانی خود را از فلسطین اعلام داشت .

دولت لیبی با حکومت ارتجاعی ملک حسین رابطه سیاسی کرده ، تمام کمکهای مالی خود را بحکومت اردن بعمل میآورده قطع نمود .

بطوریکه اخیرا اطلاع یافته‌ایم آقای خالقی مقدم که در بهمن ماه ۴۸ در رابطه با پاك نژاد ( ۲۸ نفری ) دستگیر شده و تا کنون وضع او اطلاعی در دست نبود ، پس از مدتی های قرون وسطائی با افراد دیگر گروه مذکور تحویل به دادگاه نظامی شده‌اند .

مهندس پرویز نیکخواه بعلت خوشنرخ چابلوسی در درگاه شاه جلا و خیانتی که بمرد مرتکب شد ، مدتی است که از زندان آزاد گرد بعضویت سازمان امنیت شاه در آمده است نیک وزارت اطلاعات مسئول قسمت ( ارشاد جوانان ) و از طرف شاه نیز يك اتومبیل ( آریسا ) باو شده است .

درلحظاتی که روزنامه زیر چاپ بود ، شدیم که جمال عبدالناصر در اثر سکنه قلبی در در شماره آینده تغییراتی را که بدینجهت در تعداد خاورمیانه بوجود خواهد آمد ، بررسی خواهیم کرد .

## اعلامیه سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه

روشنفکرانی هستند که نه ماه پیش دستگیر شده‌اند ، اتهام بعضی از افراد این گروه ( قصد پیوستن بفدائیان فلسطین ) بوده است و جرم بقیه تنها دوستی با افراد مذکور . در نه ماه گذشته وحشیانه ترین شکنجه ها بر این میهن پرستان اعمال شده و این بترتیبی بوده که از نظر نوع شکنجه طولی زمان آن ( بیش از نه ماه ) حتی در رژیم شاه هم بیسابقه بوده است .

آقای ناصر کاخساز ناصری ، قاضی جوان دادگستری شاهی زیر شکنجه بیانی دو چشمش را از دست داده و علاوه بر این بر اثر شکنجه های بعدی دچار اختلال حواس نیز شده است . آقای شکراله پانزاد فارغ التحصیل دانشکده علوم سیاسی و کارمند سازمان برنامه نیز از افراد این گروه است که تحت شکنجه قرار گرفته است . ناخن های دست و پای این آزادیخواه را طی شکنجه‌های قرون وسطائی وحشیانه کشیده‌اند . عدهای دیگر از افراد این گروه باز تحت شکنجه اند و مرگ تهدید شان میکند . با وجود چنین مسئله وحشت انگیز و آسف آوری تمام نیروهای دموکرات و بشر دوست جهان مسئولیت سیاسی و اخلاقی دارند که حد اکثر کوشش خود را برای خاتمه دادن به شکنجه وحشیانه این آزادیخواهان و طلب آزادی آنان بکار برند ؛ این وظیفه تمام آزادیخواهان و هر سازمان مترقی و دموکراتیک است که مبارزه مضممانه‌ای را علیه رژیم فاشیستی شاه آغاز کند .

این کوشش ها شامل نوشتن مقالات نامه‌های محکوم کننده به دولت ایران ، منعکس کردن این وقایع در مطبوعات و رادیو و تلویزیون و تشکیل کمیته‌های دفاع بین المللی میباشد .

تنها مبارزه‌ای وسیع و در سطح جهانی میتواند ، در شرایط حاضر دولت ارتجاعی ایران را مجبور به خاتمه شکنجه و محاکمه علنی این میهن پرستان سازد . باید اجازه داده شود که ناظرین بین المللی در این دادگاه شرکت کنند .

این اعلامیه به زبانهای فارسی ، انگلیسی و عربی تکثیر و در دسترس جسرآید و سازمانهای مختلف قرار گرفت .

مردم آزادیخواه ! شما قطعاً از رنج مردم ایران تحت ستم رژیم شاه مطلع هستید . رژیم دیکتاتوری شاه که با تمام فشارها قادر نبوده است از رشد نیروهای وطن پرست و مترقی در ایران جلوگیری کند اکنون خطمشی انتقام جویی را اتخاذ کرده است ، انتقام شکست خود از مردم .

در خرداد گذشته ، آیتاله سعیدی امام جماعت مسجد غیانی زیر شکنجه مأمورین شاه پس از ۱۵ روز تحمل شکنجه بجرم ( تبلیغ علیه دولت ) بشهادت رسید .

همزمان با این واقعه ، آقای حسن نیک داودی فارغ التحصیل دانشکده پلی تکنیک نیز زیر شکنجه مأمورین شاه به شهادت رسید . جرم وی ارتباط با سایر روشنفکران آزادیخواه بوده است .

در رابطه با این جریان ده‌هزار نفر روشنفکر ، رهبر مذهبی و کارگر نیز که جرات ترتیب مراسم تشییع جنازه برای دو شهید فوق را بخود داده بودند دستگیر شدند .

اما باز وضع گروه دیگری از زندانیان سیاسی وخیم تر است ونوجه بیشتر وفوری تو را ایجاب میکند تا مبدا باز منجر بشکست عده دیگری از میهن پرستان گردد . این گروه که بیش از ۳۰ نفر از آنان را میشناسیم

نشانی پستی  
P.O. Box 7229  
Beirut, Lebanon  
عراق - بغداد ،  
صندوق البرید ۵۱۸

نشانی بانکی  
Chase Manhattan Bank  
Beirut, Lebanon  
Account L- 13896  
بانک تجاری عراق  
بغداد - حساب شماره  
۱۴۷۷۲

بها  
ایران ۲ ریال  
لبنان ۱۵ قروش  
عراق ۸۰ فلس  
کویت ۱۰ فلس  
ترکیه ۲۵ قروش

این حق مسلم توده‌هاست که خشونت را در راه آزادی و استقلال کشور خود روا ندارند .